

## متن پرسش

سلام علیکم در تفسیر سوره مریم: ۱- برای فهم معنای تمثیل راهنمایی بفرمایید. آیا موقعی که خواب می بینیم آنچه دیده ایم همان تمثیل حقایق است؟ چطور صور خیالی که انسان در ذهن درست می کند از تمثیل واقعی قابل تفکیک است؟ آیا حرف سوفسطایی ها نیز از همین جا نشات گرفته که در موجودات شک می کنند، یا حرف آنها چیز دیگری است؟ ۲- در "فناداها من تحتها ... " چه دلیلی بر اینکه کلام حضرت عیسی علیه السلام است وجود دارد. ظاهرا به جبرئیل بیشتر منطبق است. ۳- در "... و کنت نسیا منسیا" این کلام حضرت مریم با عبودیت چگونه قابل جمع است؟ یا با آیه "الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون" یا با علم حضرت مریم به حکمت الهی و...؟ با تشکر

## متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: ۱- این که فرمود: « فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا » پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد. (سوره ی مریم، آیه ی ۱۷). نشان می دهد که حضرت جبرائیل به صورت مثالی برای حضرت ظاهر شده و نقش و تأثیری درونی داشته. آری صُورِی که در خواب می بینیم جنس صورت های مثالی است ولی معلوم نیست تمثیل حقایق باشد، بلکه در بسیاری موارد قوه ی واهمه ی انسان بر اساس صورت محسوساتی که در خود ذخیره دارد آن ها را می سازد که بحث آن در کتاب «جایگاه جنّ و شیطان و جادوگر در عالم» آمده. تمثیل واقعی را باید با مقایسه ی سخنان قرآن و ائمه «علیهم السلام» از تمثیل های غیر واقعی تفکیک کرد و کار ساده ای نیست. سوفسطایی از درک یک امر بدیهی محروم شده و آن این که نفس ناطقه ی انسان به طور بدیهی می پذیرد که آنچه درک می کند ریشه در واقعیت دارد. ۲- بعد که موضوع تمثیل تمام شد، می فرماید: «فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ» پس از مدتی درد زایمان به سراغش آمد و لذا با حرف «ف» موضوع را از موضوع قبل جدا می کند و لذا ذهن راحت تر می پذیرد که گوینده آن سخن همان فرندی باشد که زاییده شده، چون موضوع جبرائیل دیگر منتفی است و اگر سخن، سخن جبرائیل بود باید آن را ذکر می کرد به خصوص که موضوع سخن گفتن حضرت عیسی «علیه السلام» موضوع آیات است و حضرت مریم «سلام الله علیها» هم چون سابقه سخن گفتن او را دانسته اشاره می کند که از او بپرسید و می فهماید که او خواهد با شما سخن بگوید و به همین جهت مردم گفتند: «كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا» چگونه با کسی سخن بگوییم که کودک گهواره ای است. ۳- حضرت مریم «سلام الله علیها» نگران آبروی خود بودند که به عنوان یک راهبه، متهم به خلاف شرع شوند و موضوع جهل مردم است،

به همین جهت حضرت علی «علیه السلام» در آن جا که قرآن می فرماید: حضرت موسی «علیه السلام» از کار ساحران ترسیدند، می فرمایند: ترس حضرت موسی «علیه السلام» از جهل مردم بود که نکند بین «معجزه» و «سحر» فرق نگذارند و این خوف، خوف مذمومی نیست. آن خوفی مذموم است که انسان برای غیر خدا نقش قائل باشد و اولیاء الهی چنین خوفی را ندارند، هرچند در شرایط عادی باید خطر احتمالی را از خود دفع کنند، کاری که حضرت موسی «علیه السلام» در هنگامی که با مار روبه رو شدند انجام دادند. موفق باشید